

26 دلو پیروزی جهاد و مجاهدین و افتضاح تیکه داران جهاد

مردم افغانستان در طول تاریخ همیشه در مقابل بیگانگان و اجانب و خواست های آنها ایستاده گی و مقاومت نموده و در راه آزادی خواهی خود دست به مبارزه و قیام زده اند.

در قرن 19 دوبار در مقابل سلطه و تجاوز انگلیس از خود مبارزه و استقامت نشان دادند و متجاوزین را بدون امکانات همسان ، بدون تجهیزات جنگی و بدون تشکیلات منظم شکست دادند . و همین طور مردم آزادی خواه و مسلمان افغانستان ، با الهام از مکتب تحرک بخش اسلام و آموزه های ان ، و با الهام از روحیه آزادی خواهی پدران خود ، در ابتدای قرن 20 در مقابل انگلیس که به نام جنگ سوم افغان و انگلیس مسمی می باشد ، و در اواخر قرن 20 در مقابل تجاوز قشون شوروی وقت و حکومت دست نشانده ان ، وارد میدان رزم و مبارزه بر ضد دشمنان دین و میهن شدند و درین راه هزاران قربانی تقدیم کردند. شاید در تاریخ افغانستان کسی منکر نباشد که انگلیس ها ، سه بار در اثر جهاد و قیام مردم ، و همین طور شوروی ها یک بار ، در کشور ما افغانستان شکست خوردند.

گرچه بعضی تحلیل گران داخلی و خارجی ، شکست شوروی را در مقابل مجاهدین در دهه 80 قرن بیستم نتیجه رقابت دنیای غرب بخصوص ایالات متحده امریکا با شوروی که از ان در قاموس سیاسی جهان به نام جنگ سرد یاد می کنند ، می دانند ، و در تحلیل خودشان شکست و فروپاشی شوروی ها را ناشی از کمک ها و حمایت های امریکا و متحدین منطقوی اش عربستان سعودی و پاکستان می پندارند ، در حالیکه این تحلیل یک جانبه مقرون به حقیقت نمی باشد و دور از انصاف است. بلکه آنچه که نقش اول و اساسی داشته ، ایمان ، فداکاری ، ایثار و از خودگذری مردم در راه ارزش های دینی و ملی شان بوده که باعث شکست شوروی گردید است.

درست است که امریکا و متحدین اش کمک های به احزاب جهادی نمودند ، در جنگ ها از ان کمک ها تا حدی استفاده شد و ممد واقع گردید اما عامل اساسی ایمان مردم به جهاد بود. اگر در جنگ با شوروی ها ، امریکا در کنار مجاهدین بود اما در سه جنگ بر علیه انگلیس هیچگونه عامل خارجی در افغانستان وجود نداشت ، عنصر مردمی بود که باعث افتضاح انگلیس گردید.

در تاریخ می بنیم بسیار مشترکاتی از لحاظ شکل گیری نهضت ها و مقاومت ها ، و نحوه رهبری و مدیریت ان و بالاخره اسباب پذیری جهاد و مقاومت ملت سلحشور و دین مدار و آزادی خواه افغانستان در مقابل انگلیس و بعد تجاوز شوروی تا حدی زیادی یکی است. درین جا فقط به موضوع جهاد مردم در مقابل شوروی سابق در اخیر قرن 20 می پردازیم.

این را باید بدانیم در افغانستان چگونه یک فرهنگ زنده و درخشان که باعث سرافکندگی یک امپراطور گردید و تحولات عظیمی در سطح جهان به وجود آورد، در نظر نسل های آینده بد نشان داده شد. چگونه هاله از گندکاری ها، فساد، خیانت، جنایت دور کلمه "جهاد در افغانستان" را گرفته است. این نیازمند یک تحقیق، بررسی و مطالعات عمیق، همه جانبه، بدون غرض و آزادانه است تا جهاد از هر نظر مورد مطالعه و بررسی واقع گردد، اسباب های آن از ابتدا تا انتهای آن بر روی واقعیت ها و اسناد شناسایی شود و از هر دو بعد داخلی و خارجی آن بررسی شود تا خون های پاک که اخلاصمندان محض رضای خدا ریخته شده، معلولین که که درین راه صادقانه عضو خود را از دست دادند، فداکاری و ایثارگری آنها در اثر قدرت طلبی، طمع ورزی های بیجا، خیانت و اشتباهات دیگران، مورد ملامت تاریخ قرار نگیرد.

در این اینجا به بعد داخلی قضیه جهاد افغانستان اشاره می کنیم.

همزمان با قیام مردمی، احزابی که وارد افغانستان شدند تا حد موثر بودند ولی از همان آغاز تحت تاثیر گروه بندی ها، قدرت طلبی ها، منطقه گرایی ها، قوم گرایی، نژاد گرایی ها و مذهب گرایی قرار گرفتند. البته در جاهاییکه پای خودخواهی و قدرت طلبی در بین نبود رزمندگان در کنار هم بر علیه قوه متجاوز و نظام حاکم مشترکاً می جنگیدند. اما وقتی افت های بالا دامنگیر جهاد گردید، زیان های را وارد نمود. جنگ های که در دوران جهاد با شوروی ها، بین احزاب جهادی رخ داد واقعاً هیچ گونه توجیه نداشت بلکه گفته می توانیم آفتی که از اول در وجود یک عده قوماندانان و اربابان و رهبران جهاد وجود داشت و باعث بدبختی مردم مسلمان و مجاهد ما گردید و نیروی ها و انرژی های که باید صرف جهاد می شد، جان های که باید در راه خدا جهت مقابله با شوروی ها و نوکران آن قربان می شد، قربانی گروه بندی ها و اغراض شخصی و سلیقه ی یک عده عناصر گردید. در این زمینه می توانیم به تاریخ جهاد سربزیم برای ما معلوم می شود.

بدون شک شوروی ها در اثر جهاد و مقاومت مقدس مردمی، از کشور ما مجبور گردیدند بیرون شوند که این مامول در 26 دلو سال 1367 اتفاق افتاد. ماند سرنوشت جهاد مردم که میباید به سر منزل مقصود که عبارت از تشکیل یک حکومت و نظام سالم بود می رسید که متأسفانه سرنوشت جهاد مردمی را رهبران و قوماندان دست خوش مطامع حزبی و گروهی خود ساختند از همان اول خواستند یک حکومت موقت در خارج از کشور یعنی پشاور تشکیل بدهند که در این راستا نیت ها از اول خوب نبود گرچه همه زبان شان، فکرشان ایجاد یک حکومت اسلامی در افغانستان بود اما متأسفانه دل شان و عملکرد شان بر عکس بود بلکه در عمل خواستار به دست آوردن قدرت، ان هم به تنهایی و یا در یک ائتلافی چند حزبی.

مشکل دیگری که در این زمان دامنگیر جهاد افغانستان گردید که حتی از همان اول جهاد، هماهنگی بین احزاب جهادی مقیم پشاور از یک طرف و احزاب جهادی مقیم ایران از طرف دیگر وجود نداشت. گرچه

تلاش های هم در بین احزاب جهادی مقیم پشاور و ایران شروع شده بود تا بتوانند در یک هماهنگی و تفاهم خوبتر بتوانند نیروی های خود را در مقابل کمونیستان بسیج سازند. در بین احزاب جهادی پاکستان حرکت های جهت وحدت هماهنگی شروع گردید که در بسا این حرکت های وحدت خواهی باعث به وجود آمدن حزب جدید بر علاوه احزاب قبلی گردید. اما باز هم یک اتحاد ظاهری در سال های اخیر که شوروی ها بیرون می شدند ایجاد گردید

در ایران ، احزاب جهادی مقیم انجا ، از اول تلاش های جهت وحدت احزاب صورت گرفت که در نتیجه بعضی ائتلاف و شورا ها متشکل از احزاب و گاهی ادغام چند حزبی واقع گردید ولی در سال های اخیر یک ائتلاف بزرگی تحت عنوان شورای ائتلاف اسلامی افغانستان عرض وجود کرد و در نهایت باعث به وجود آمدن یک حزب به نام حزب وحدت اسلامی افغانستان گردید.

پیش از تشکیل حزب وحدت اسلامی ، شورای ائتلاف متشکل از احزاب جهادی ایران همه تلاش هایش محدود در خارج افغانستان بود و هیچ گونه حرکتی مثبت در جهت هماهنگی جبهات جنگ علیه شوروی ها و کمونیستان عملاً صورت نگرفت و هیچ گونه صلح و آتش بس بین احزاب متشکل این ائتلاف به وجود نیامد ، بلکه جنگ و نزاع بین احزاب متشکل این ائتلاف کما فی سابق ادامه داشت.

از این ها بدتر عدم هماهنگی و عدم تفاهم بین احزاب جهادی مقیم ایران و پاکستان بود که حتی تا سال های اخیر هیچگونه شناختی از یکدیگر و از فعالیت های یکدیگر نداشتند. اگر چه بین سال های 1367 و 1368 تلاش ها و گفتگوهای بین شورای ائتلاف مقیم ایران و اتحاد احزاب مقیم پاکستان صورت گرفت و زمینه تبادل افکار و نظریات پیرامون به وجود آمدن دولت بعد از خروج شوروی ها و سقوط حکومت کمونیستی در کابل صورت گرفت ولی متأسفانه در همان وقت کوشش همه احزاب چه احزاب مقیم پشاور و چه احزاب مقیم ایران پیرامون گرفتن کرسی و چوکی در آینده دولت بودند و روی مسایل اساسی سرنوشت جهاد هیچگونه تلاش و گفتگو مهم رخ نداد ، بلکه احزاب جهادی مقیم پاکستان هر یک خواهان به قدرت گرفتن و به قدرت رسیدن بودند ، خواهان ریاست و وزارت بودند و از طرف دیگر جور نیامدن شورای ائتلاف با اتحاد احزاب پشاور بر سر عضویت در شورای مشورتی و بر سر تشکیل حکومت جهت گرفتن چوکی های وزارت خودش یک دردی برای جهاد افغانستان محسوب می شد که چگونه مردم مسلمان و مجاهد در داخل با ایمان قوی و روحیه اسلامی در مقابل کمونیستان ایستاده گی می کنند اما در خارج رهبران و نماینده گان شان روی چه مسایل حساب می کنند.

این همه حوادث ناگوار و غم انگیز دوران جهاد تاثیراتی سؤ بالای مردم و مجاهدین گذاشت ، نیروها همه در جهت ضد ارزش های جهاد در حرکت بود. جهاد اسیب عظیمی از این ناحیه متحمل گردید.

در عین زمانی که خود احزاب جهادی درگیر مسایل قدرت طلبی و خودخواهی بودند ، دستگاه ارتجاعی خلق و پرچم هم در زمینه تخریب جهاد و مقاومت از طریق های مختلف و از چینل های مخفی وارد شده با پنخس پول و سلاح در بین یک عده قوماندانان جهت تشدید جنگ های داخلی و گروهی دست به فعالیت های زدند که در بسا موارد برای انها موثر واقع شد..

شدیدترین ضربه که بر پیکر جهاد مقدس مردم افغانستان و تاریخ جهاد افغانستان وارد ساخت جنگ های شهر کابل بعد از پیروزی مجاهدین بر این شهر است. این جنگ ها که با سقوط حکومت نجیب و آمدن احزاب جهادی به داخل شهر کابل آغاز گردید ، یک فاجعه عظیمی انسانی در داخل شهر کابل به بار آورده بود. مردم بی گناه و ساکنان کابل قربانی اصلی این جنگ بودند که امار متفاوت از تلفات انسانی این جنگ ارائه شده است آنچه ادعا شده در حدود شصت هزار انسان در این جنگ های بی مورد و جنگ های قدرت طلبی تلف شدند. هزاران انسان خانه و کاشانه شان را ترک کرده به کشورهای همسایه مهاجرت کرده بودند. امید می رفت که بعد از پیروزی مجاهدین ، مهاجرین دوره اشغالگری شوروی ، به وطن برگردد ، ولی بر علاوه که انها نتوانستند برگردند موج دیگری از مهاجرت ها به کشورهای همسایه ایران و پاکستان آغاز گردید. همه تاسیسات دولتی و غیر دولتی دیگر تخریب گردیده بود ، مکتب ها ، شفاخانه ها ، وزارت خانه ها ، کلینک ها ، پوهنتون ها و همه محل سنگر بندی احزاب درگیر جنگ قرار گرفت. این تخریب تاسیسات دولتی و غیر دولتی ملیون ها دالر خساراتی را متوجه اقتصاد کشور گردانید.

در این راستا بزرگترین اشتباه و یا گفته می توانیم بزرگترین خیانت همان بود که سیستم و تشکیلات اداری و نظامی را از بین بردند. این واضح که دیگر حکومت کمونیستی شکست خورده بود دیگر امکان ابقای حکومت کمونیستی وجود نداشت ، ضرورت به از بین بردن تشکیلات نبود چون دیگر هیچگونه مقاومت از طرف حزب وطن (خلق و پرچم) در مقابل مجاهدین محسوس نبود ، بزرگترین جهاد و بزرگترین خدمت به ارزش های جهاد همان بود که خردمندان و هوشیارانه فکر می کردند و روی ارزش های جهاد کار می کردند. ولی این طور نشد در جهت خلاف ارمان ها و ارزش های جهاد مقدس مردم گام ها گذاشته شد و جنگ های تنظیمی در شهر کابل صورت گرفت. ائتلاف های شکننده جهت کنترل شهر کابل و رسیدن به قدرت ضربه شدید بر جهاد مردم وارد ساخت. یک روز حزب اسلامی تلاش اش این بود و توجیه جنگ اش این بود که نیروی های دوستم که از جمله بقایای رژیم سابق کمونیستی است در پهلوی نیروی های مسعود قرار گرفته و در توطیه علیه جهاد می باشد. ولی روز دیگر همین حزب در کنار دوستم شورای هماهنگی تشکیل می دهد ، صبغت الله تا وقتی که در ریاست دولت موقت قرار دارد عامل همه جنگ ها را بر گردن حکمتیار می اندازد و با کلمات رکیک و زشت نثار حزب اسلامی و رهبر ان می سازد اما وقتی از دولت موقت کنار می رود موقف اش تغییر

می کند می آید در شورای هماهنگی با حکمتیار قرار می گیرد در مقابل مسعود جبهه می گیرد و مسعود را عامل بعضی جنگ ها و بد بختی های می داند. اتخاذ همچون موقف ناسالم و غیر معقول تاثیر عمیق در روحیه مجاهدین و رزمندگان جهاد می گذارد یعنی آنهایکه تا دیروز با سر بلند در کنار برادر خود بر علیه شوروی ها و عمال ان می جنگیدند ولی امروز در اثر این گونه برخورد ها و موقف های بی جا در مقابل برادر خود می جنگد.

به هر صورت مردم مسلمان و شجاع افغانستان جهاد و قیام نمودند ، خون دادند ، قربانی تقدیم کردند ، شهید و معلول نثار کردند و بالاخره مال و زنده گی خود را در راه جهاد و مقاومت از دست دادند تا اینکه توانستند یک ابر قدرت را به زانو در آورند. از این جهت تمام افتخارات جهاد برای خود ملت مبارز ، برای کسی که اخلاص مندانه و در راه خدا و وطن جهاد کردند ، برای کسی که بعد از شکست شوروی سلاح خود بر علیه برادر خود نگرفت و بر زمین گذاشت ، برای کسی است تا امروز برای حفظ ابرو و حیثیت خود و هموطنان خود زحمت می کشد ، مربوط می باشد. و آنچه بدی ها و رسوایی ها است مربوط معامله گران جهاد ، تکه داران جهاد ، و آنها که به نام جهاد و مجاهد تا امروز سؤ استفاده نموده و خون مردم را می نوشند.

اینکه چرا افتخارات و پیروزی های جهاد و مقاومت افغانستان در مقابل تجاوز شوروی و کمونیستان خلق و پرچم امروز تحت شعاع است ، اینکه چرا جهاد آسیب دید و در انظار جهانیان نام بد گرفت و ذهنیت های اکثر مردم به خصوص تحلیل گران و روشنفکران را نسبت به جهاد و مقاومت مردم منحرف ساخت ، بیشتر مربوط می شود به کسانی که از جهاد و اسلام سؤ استفاده کردند ، مربوط کسانی که در دایره خود خواهی های خود دویدند و جهت منافع شخصی و حزبی خود بر محور منافع کشورها و سازمان های جاسوسی منطقه حرکت کردند.

پس آنچه نتیجه می گیریم اینست که جهاد و مقاومت افغانستان که توانست یک امپریالیزم را شکست بدهد و تغییراتی در سطح جهان به وجود آورد و افتخاراتی نصیب ملت بکند ، در اثر قدرت طلبی و طمع ورزی های یک عده ، دست خوش ملامت قرار گیرد. حتی کسانی که در بربادی و ویرانی کشور نقش اساسی داشتند مانند اعضای خلق و پرچم در داخل و بیرون از کشور سر رست کردند و جهت تبرئه خود و حتی حزب خود تحت عنوان نشر حقایق در باره حوادث سیاسی و نظامی کشور کتاب ها نوشته کردند. تا جایکه نجیب رئیس خاد دوران کارمل و رئیس جمهور دور اخیر حکومت خلق و پرچم را که صدها روشنفکر ، آزادی خواه ، مجاهد و مردمان ضد شوروی را شکنجه ، حبس و اعدام می کرد و در دوران ریاست جمهوریش با سیاست مکر و فریب تخم نفاق را می پاشید امروز به عنوان قهرمان و حتی مقدس ترین کلمه که در فرهنگ اسلامی شهید است در

پهلوی اسم او گذاشته می شود این جفای است که در حقیقت معامله گران جهاد در حق جهاد و مقاومت ملت افغانستان نمودند.

قدرت طلبی و خودخواهی های مفرط تیکه داران جهاد ، باعث شد که گروه های دهشت افکن در افغانستان شکل بگیرد و بعد پای چندین کشور جهان دیگر بخصوص امریکا را با منافع شان باز کنند تا بازی های شان را در کشور ما به راه بیندازند ، و خود این تیکه داران جز بازی گران جهت احراز مقام و منصب و اندوختن سرمایه انگفت قرار گرفتند و هر وقتی منافع شان از قدرت و سرمایه کمی در خطر افتاد باز هم بی شرمانه از عنوان "جهاد و مجاهد ، مجاهد را کنار می زنند" و امثال ان استفاده می کنند و در نهایت بر بحران فعلی افغانستان هر روز می افزایند.

سید محمد تقی فضیلت

دلو 1396